موضوع: بررسی نظریه مسیر پیامبری

ضرورت نبوت مقتضای تفکر عقلی

در گفتار قبل این مساله بررسی شد که مقتضای تفکر عقلی در مورد انسان شناسی و خداشناسی این است که پیامبری و نبوت به معنای رایج آن (که عبارت است از گزینش خدای متعال در مورد انسان هایی که از صفات کمال ویژه ای برخوردارند برای هدایت کردن انسان ها) امری واجب و ضروری است.

همچنین گفته شد در باره این مطلب گزینه بدیلی وجود ندارد و منحصر است تحقق یافتن هدایت انسان بر آمدن رسولانی از طرف خدای متعال. واقعیت هم این است که همه انسان ها از مرتبه ای از کمال که بتوانند با عالم ربوبی ارتباط برقرار کنند ندارند و هیچ گزینه دیگری غیر از نبوت و پیامبری وجود ندارد. همچنین گفته شد این استدلالی که توسط متفکران اسلامی مطرح شده در برخی روایات هم آمده است.

نکته دیگر اینکه نبوت و پیامبری مصداقی از یک عنوان عام با نام «حجت» است که مصادیق دیگری همچون وصایت و امامت نیز دارد که در طول نبوت و استمرار دهنده آن است. در روایات نیز آنچه مطرح شده ضرورت حجت است. در کتاب کافی، بعد از مباحث توحید به جای اینکه نبوت و رسالت مطرح شود، سخن از حجت به میان آمده است.[[1]](#footnote-1) به عنوان نمونه در روایتی از امیرالمومنین (ع) آمده است : «و لم يخل اللّه سبحانه خلقه من نبي مرسل، أو كتاب منزل، أو حجة لازمة، أو محجة قائمة رسل‏»: خداوند هرگز خلق را از وجود يك پيامبر يا كتاب آسمانى يا حجّت كافى يا طريقه روشن، خالى نگذاشته است‏. آن حضرت در جای دیگر فرموده است: «و لا تخل الأرض من قائم منهم بحجتك ظاهرا أو خائفا مغمورا، لئلا تبطل حجتك و دينك و بيناتك»[[2]](#footnote-2): زمین از کسی که حجت الهی به او پایدار باشد خالی نمی باشد تا اینکه حجت های خداوند از بین نرود و باطل وارد بر آنها نشود.

فراگیری و عمومیت بعثت

اکنون این بحث مطرح می شود که مقتضای حکم عقل بر وجوب نبوت و پیامبری، فراگیری و عمومیت آن را نیز ثابت می کند. خواجه نصیر الدین طوسی در «تجرید الکلام» گفته است: «و دلیل الوجوب یعطی العمومیه»: یعنی آن دلیلی که وجوب نبوت و بعثت را اقتضا می کند بیانگر عمومیت آن نیز هست. در قرآن کریم نیز بحث عمومیت نبوت مطرح شده است که در ادامه به برخی از آیات آن اشاره می شود:

1. در آیه 24 سوره فاطر می فرماید: «وَ إِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلاَّ خَلا فيها نَذير»[[3]](#footnote-3). مراد از بیم دهنده در این آیه بر اساس سیاق و روایات همان پیامبر و نبی است. البته احتمال دارد که مطلق نذیر مورد نظر باشد اعم از پیامبر و کسی که از جانب پیامبر فرستاده شده است و یا کسی که رفتار و گفتار او برای مردم حجت است مانند لقمان حکیم، یا ذوالقرنین. این آیه شریفه هم به لحاظ زمانی و هم مکانی عمومیت وجود نذیر را بیان می کند.

2. «وَ لَقَدْ بَعَثْنا في‏ كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوت‏»[[4]](#footnote-4). در این آیه و آیه قبل کلمه امت به کار رفته است. در لغت امت به گروهی گفته می شود که یک امر مشترکی آنها را به هم پیوند زده است و آنها در یک مکان یا زمان زندگی می کنند.[[5]](#footnote-5)

سنت الهی در عین حالی که بر گسترده بودن نبوت بر همه زمان ها و زمین ها بوده اما اینگونه نبوده که برای هر جمعیتی پیامبری برگزیده شود، بلکه یک منطقه جغرافیایی خاصی که از اهمیت ویژه ای برخورار بوده به عنوان مرکز برگزیده شده و پیامبر برای آن منطقه ارسال می شده است و آن پیامبر ماموریت داشته تا پیام الهی را به سایر مناطق برساند. در سوره قصص فرموده است: «وَ ما كانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرى‏ حَتَّى يَبْعَثَ في‏ أُمِّها رَسُولاً يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِنا وَ ما كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرى‏ إِلاَّ وَ أَهْلُها ظالِمُون‏»[[6]](#footnote-6): پروردگارت بر آن نبوده است كه شهرها را نابود كند ، تا آنكه [ پيش از نابودى ] در مركز آنها پيامبرى برانگيزد كه آيات ما را بر آنان بخواند ، و ما [ در هيچ حالى از احوال‏] نابود كننده شهرها نبوده‏ايم مگر در حالى كه اهلش ستمكار بوده‏اند.

3. در جای دیگر می فرماید: «وَ كَذلِكَ أَوْحَيْنا إِلَيْكَ قُرْآناً عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرى‏ وَ مَنْ حَوْلَها وَ تُنْذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لا رَيْبَ فيهِ فَريقٌ فِي الْجَنَّةِ وَ فَريقٌ فِي السَّعير»[[7]](#footnote-7): و اين‏گونه قرآنى [ به زبان فصيح و گويا به تو وحى كرديم تا [ مردمِ ] ام‏القرى [يعنى شهر مكه ] و كسانى را كه پيرامون آن هستند بيم دهى ، و آنان را از روز جمع شدن [كه روز قيامت است‏] و ترديدى در آن نيست بترسانى ، [ روزى كه ] گروهى در بهشت‏اند و گروهى در آتش سوزان.

4. در آیه دیگر می فرماید: «وَ لَوْ شِئْنا لَبَعَثْنا في‏ كُلِّ قَرْيَةٍ نَذيراً»[[8]](#footnote-8). معلوم می شود که سنت الهی در مبعوث نمودن پیامبران به این صیورت بوده که در محلی که مرکزیت داشته، پیامبر را می فرستاده و آن پیامبر ماموریت داشته با ابزارهایی که در اختیار داشته پیام الهی را به مناطق دیگران برساند.

از آنچه بیان شد این نتیجه به دست می آید که پیامهای الهی به تمامی شهرها و مناطق زمین رسیده است، البته نه همه توسط شخص پیامبر، بلکه برخی مستقیم بوده و برخی با واسطه صورت می گرفته است، مانند پیک هایی که می فرستادند و یا به نمایندگان آن مناطق ابلاغ می کردند. بنابراین وقتی گفته می شود در هر امتی، رسولی فرستاده شده است مراد مفهوم گسترده آن است که روستاها و شهرهای متعددی را در بر می گیرد.

تا اینجا روشن شد که در بحث عمومیت نبوت که مقتضای استدلال عقلی و آیات قرآن است، پیامبر از جانب خداوند مبعوث شده است و هدایت همه انسان هایی که در آن برهه زمان در حوزه هدایتی او قرار داشته را بر عهده داشته است. همچنین معلوم شد که لازمه ضرورت نبوت، ارسال نبی برای همه قریحه ها نبوده است، بلکه پیامهای الهی گاه بی واسطه و گاه با واسطه صورت می گرفته است.

این نکته را نیز نباید نادیده گرفت که سنت الهی در هدایت انسان ها بر اساس تدریج و روش های عادی و عقلایی و به مقتضای شرایط استوار بوده است. اینگونه نبوده که خدای متعال در هر قریحه پیامبری را مبعوث کند بلکه در قریحه ای که مرکزیت داشته، رسول خود را می فرستاد و آن رسول از طریق نمایندگان، پیامهای الهی را به مناطق دیگر ابلاغ می نمود. حتی در مکانی که خود پیامبر اکرم (ص) زندگی می کرده است، پیام به صورت تدریجی برای مردم فرستاده می شده است، مثلا گاه اقتضا می کرده که ماموریت الهی به صورت مخفیانه باشد، و گاه در میان خویشاوندان این ابلاغ صورت گیرد.

ادامه بحث انشاءالله در گفتار بعد دنبال می شود

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. اصول کافی، ج1، کتاب الحجه، باب ان الارض لاتخلو من حجه [↑](#footnote-ref-1)
2. نهج البلاغه، حکمت ها [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره فاطر، آیه 24 [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره نحل، آیه 36 [↑](#footnote-ref-4)
5. المفردات، راغب اصفهانی، ص 123 [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره قصص، آیه 59 [↑](#footnote-ref-6)
7. سوره شوری، آیه 7 [↑](#footnote-ref-7)
8. سوره فرقان، آیه 51 [↑](#footnote-ref-8)